

کتاب یوئیل نبی

مقدمه

در مورد یوئیل نبی معلومات کمی در دست است که او در چه زمانی زندگی می‌کرد. اما به احتمال قوی او در قرن پنجم و یا چهارم ق.م. در قلمرو جنوبی اسرائیل می‌زیست و این کتاب را برای مردم آنجا نوشته است.

یوئیل پیشگویی کرد که خدا بلائی وحشتناکی خواهد فرستاد تا مردم یهودا را تنبیه کند. این بلا تمام مزارع را نابود خواهند کرد، زیرا مردم یهودا نسبت به خداوند بی‌وفایی کرده‌اند.

یوئیل نگاهی به آینده می‌اندازد و از روز داوری خداوند نیز سخن می‌گوید.

به این ترتیب یوئیل پیام خود را به مردم می‌رساند و از آنها دعوت می‌کند که از گناهان خود دست بکشند تا خداوند هم مطابق به وعده خود آنها را دوباره احیا نموده از برکات خود برخوردار گرداند. مهمتر از همه خداوند وعده فرمود که روح خود را بر همه بشر، مرد و زن، پیر و جوان، یکسان خواهد ریخت.

فهرست مندرجات:

بلاى ملخ: فصل ۱: ۱ - ۱۷: ۲

وعده احیای قوم اسرائیل: فصل ۲: ۱۸ - ۲۷

روز داوری خداوند: فصل ۲: ۲۸ - ۳: ۲۱

نمائید، زیرا محصول گندم و جو تلف شده است.^{۱۲} تاکهای انگور از بین رفته و درختان انجیر، انار، خرما، سیب و همه درختان دیگر خشک شده اند. خوشی و سُرور برای مردم نمانده است.

دعوت برای توبه و دعا

^{۱۳} ای کاهنان لباس ماتم بپوشید و ماتم بگیرید! ای خادمان خدای من که در عبادتگاه خدمت می کنید، تمام شب نوحه را سردهید! زیرا دیگر غله و شرابی باقی نمانده است که به خانه خداوند تقدیم شود.^{۱۴} روزه را اعلام کنید و به مردم خبر بدهید که همگی جمع شوند. رهبران و همه ساکنین کشور در عبادتگاه خداوند، خدای خود بیایند و در آنجا در حضور خداوند گریه و زاری کنند.^{۱۵} وای بر ما، زیرا روز هولناک خداوند نزدیک است و هلاکت و نابودی از جانب قادر مطلق بر سر ما می آید.

^{۱۶} خوراک ما در برابر چشمان ما از بین رفت و خوشی و شادمانی از عبادتگاه خدای ما رخت بر بست.^{۱۷} تخمها در بین کلوخها پوسیده می شوند. انبارها خراب شدند و گدامها خالی اند، زیرا غله در کشتزار از بین رفته است.^{۱۸} گاوها از گرسنگی ناله می کنند و رمه های گوسفند سرگردانند، زیرا چراگاهی برای شان باقی نمانده است و همه تلف می شوند.^{۱۹} خداوندا، بحضور تو زاری می کنم، زیرا گرمی سوزان، چراگاه ها را خشک ساخته و شعله های آن درختان را سوختانده است.^{۲۰} حتی حیوانات وحشی بحضور تو

این پیام از جانب خداوند برای یوئیل پسر فتوئیل رسید.

بلای ملخ

^۲ ای مردان مو سفید بشنوید! ای ساکنین روی زمین گوش بدهید! آیا در عمر تان یا در دوران زندگی پدران تان چنین واقعه ای رخ داده است؟^۳ درباره آن با فرزندان تان صحبت کنید. آن ها به نوبه خود آن را به فرزندان خود نقل کنند و به همین ترتیب این واقعه به نسلهای بعدی تعریف شود.

^۴ انواع ملخها دسته دسته می آیند و به نوبت تمام محصول زمین شما را می خورند.^۵ ای مستان بیدار شوید و گریه کنید. ای میگساران زاری نمائید، زیرا همه انگور و شراب شما همه از بین رفته است.^۶ یک قوم نیرومند که تعداد شان بیشمار است بر سرزمین من هجوم آورده است. دندانهای شان مثل دندان شیر تیز اند.^۷ تاکستان های مرا خراب کرده اند. درختان انجیر مرا پوست نموده و شاخه های آن ها را سفید و برهنه گذاشته اند.

^۸ مانند دوشیزه ای که بخاطر مرگ شوهر جوان خود لباس ماتم می پوشد، غزا بگیرید.^۹ آوردن هدیه آردی و شراب به عبادتگاه قطع شده است. کاهنان که خادمان خداوند هستند، ماتم گرفته اند.^{۱۰} کشتزارها همه خشک شده اند و زمین عزادار است. غله از بین رفته است، انگور خشک شده و درختان زیتون پژمرده گردیده اند.^{۱۱} ای دهقانان گریه کنید و ای باغبانان شیون

مستقیماً پیش می رود و خط سیر خود را تغییر نمی دهد.^۸ یکدیگر خود را شانه نمی زنند، بلکه در صف خود مستقیماً پیش می روند، خط دفاع را می شکنند و هیچ سلاحی نمی تواند مانع آن ها بشود. ^۹ به شهر هجوم می برند، بر دیوارها بالا می شوند و مثل دزد از راه کلکین به خانه داخل می شوند.

^{۱۰} زمین در زیر پای آن ها به لرزه می آید و آسمان ها تکان می خورند. آفتاب و مهتاب تاریک می شوند و ستارگان نور افشانی نمی کنند. ^{۱۱} خداوند با صدای بلند به لشکر خود فرمان می دهد و سپاه بزرگ و بیشمار او فرمائش را بجا می آورند. روز خداوند واقعاً روز با هیبت و هولناک است. کیست که بتواند آن را تحمل کند؟

دعوت به بازگشت

^{۱۲} خداوند می فرماید: «حتی همین حالا، با تمام قلب تان، با روزه و گریه و ماتم بسوی من برگردید. ^{۱۳} دلهای تان را چاک کنید نه لباس تان را.»

بسوی خداوند، خدای تان بازگردید، زیرا او رحیم و مهربان است. زود قهر نمی شود و رحمت و محبت او بی پایان است. همیشه برای بخشیدن آماده است و راضی به مجازات شما نیست. ^{۱۴} کسی چه می داند، شاید خداوند اراده خود را عوض کند و محصولات شما را آنقدر برکت بدهد که دوباره بتوانید هدیه آردی و ریختنی به خداوند، خدای تان تقدیم کنید.

^{۱۵} زنگ خطر را در صهیون به صدا آورید و روزه را اعلام کنید. همگی جمع شوند

فریاد و زاری می کنند، چون جوی های آب خشک شده و شعله های سوزنده گرما چراگاه های بیابان را از بین برده است.

روز داوری خداوند

۲ زنگ خطر را در صهیون بنوازد؛ بگذارید صدای آن از سرکوه مقدس من شنیده شود و همه ساکنین کشور از ترس بلرزند، زیرا روز داوری خداوند نزدیک می شود و بزودی فرا می رسد. ^۲ آن روز، روز تاریکی و ظلمت، روز ابرهای سیاه و تاریکی غلیظ است. سپاه نیرومندی مثل سیاهی تیره ای، کوه ها را می پوشاند. آن لشکر چنان بزرگ و قوی است که مثل آن قبلاً هرگز دیده نشده است و بعد از این هم دیده نمی شود.

^۳ پیشاپیش آن ها آتش و در عقب آن ها شعله ای همه چیز را می سوزاند. زمین پیش از آمدن آن ها مثل باغ عدن می باشد، اما وقتی از آن می گذرند به بیابان خشک و پژمرده تبدیل می شود. هیچ چیزی از چنگ آن ها رهائی یافته نمی تواند. ^۴ آن ها شبیه اسپ هستند و مانند اسپهای جنگی می تازند. ^۵ وقتی بر کوه ها جست و خیز می زنند، صدای شان مثل غرش عراده ها و صدای شعله آتشی است که کاه را می سوزاند و مانند غریو سپاه نیرومندی است که برای جنگ لشکر کشی می کند. ^۶ در برابر آن ها مردم وحشت می کنند و رنگ از روی شان می پرد. ^۷ مثل جنگجویان حمله می آورند و همچون سربازان از دیوارها بالا می روند. هر یک از آن ها

۱۶ و آن‌ها را تقدیس نمائید. موسفیدان، اطفال و حتی کودکان شیر خوار را جمع کنید. داماد از خانه و عروس از حُجَلَة خود بیرون بیاید. ۱۷ کاهنانی که خادمان خداوند هستند، بین قربانگاه و دروازهٔ دخول عبادتگاه بایستند و گریه کنند و بگویند: «خداوندا، بر قوم برگزیدهٔ خود رحم کن. نگذار که آن‌ها مایهٔ تمسخر اقوام دیگر شوند و به قوم برگزیدهٔ تو بگویند: خدای شما کجا است؟»

جواب خداوند و وعدهٔ او

۲۵ خداوند می‌فرماید: «خسارهٔ سالهائی را که ملخها، همان لشکر بزرگی که من بر ضد شما فرستاده بودم، وارد آوردند جبران می‌کنم. ۲۶ غذای فراوان می‌خورید و سیر می‌شوید و نام من خداوند را که خدای تان هستم بخاطر کارهای عجیبی که برای شما انجام داده‌ام تجلیل و تمجید می‌کنید. قوم برگزیدهٔ من دیگر خوار و حقیر نمی‌شود. ۲۷ آنگاه شما ای قوم اسرائیل می‌دانید که من در بین شما می‌باشم و تنها من، خداوند، خدای تان هستم و دیگری نیست و شما که قوم برگزیدهٔ من می‌باشید دیگر هرگز خوار و شرمنده نمی‌شوید.

روح خداوند بر همگی ریخته می‌شود

۲۸ بعد روح خود را بر همهٔ مردم می‌ریزم. پسران و دختران تان نبوت می‌کنند. موسفیدان شما خوابها و جوانان تان رؤیاهای می‌بینند. ۲۹ در آن روزها حتی بر غلامان و کنیزان شما هم روح خود را می‌ریزم.

۳۰ علامات حیرت‌انگیزی از خون، آتش و ستونهای دود، در آسمان‌ها و زمین نشان می‌دهم. ۳۱ قبل از آنکه روز عظیم و وحشتناک خداوند فرا رسد، آفتاب به تاریکی و مهتاب به خون مبدل می‌گردد

۱۸ آنگاه خدای غیور بر سرزمین خود لطف فرمود و بر قوم برگزیدهٔ خود رحمت کرد. ۱۹ خداوند در جواب قوم برگزیدهٔ خود فرمود: «من برای شما غله و شراب و روغن می‌فرستم تا سیر شوید. دیگر راضی نمی‌شوم که اقوام بیگانه شما را مسخره کنند. ۲۰ لشکر دشمن را که از شمال بر شما هجوم آوردند، از آنجا دور کرده به یک سرزمین خشک و ویران می‌رانم. بعضی از آن‌ها را در بحیرهٔ مُرده و بعضی را در بحر مدیترانه می‌فرستم تا در آنجا بمیرند و بوی بد لاشه‌های شان بلند شود.»

۲۱ ای زمین نترس و خوشحال باش، زیرا خداوند کارهای بزرگی برایت انجام داده است! ۲۲ ای حیوانات صحرا هراسان نباشید، زیرا چراگاهها سرسبز می‌شوند و درختان میوه بار می‌آورند. میوهٔ انجیر و انگور فراوان می‌گردد.

۲۳ ای مردم صهیون، خوشحال و شادمان باشید و از کارهای خداوند خوشی کنید! چون با فرستادن باران، عدالت خدائی

به مردم یهودا می فروشم تا آن ها هم همه را به سبائیان که در سرزمین دوردستی زندگی می کنند، بفروشند. من که خداوند هستم این را می گویم.

^۹ به اقوام جهان اعلام کنید؛ برای جنگ آماده شوید و جنگجویان ورزیده تان را فراخوانید و همه عساکر تان را جمع کنید. ^{۱۰} آگاوآهنهای خود را ذوب کنید و از آن ها شمشیر بسازید و از اهره های تان سرنیزه تهیه نمائید. حتی افراد ضعیف هم دلاورانه بجنگند. ^{۱۱} ای اقوام جهان، از هر طرف بیائید و در یکجا جمع شوید!»
خداوندا، جنگ آورانت را برای حمله فرود آور!

^{۱۲} «تمام اقوام بیایند و در وادی محاکمه جمع شوند. من در آنجا نشسته و همه را محاکمه می کنم. ^{۱۳} داسهای تان را به دست بگیرد، زیرا محصول پخته شده و برای درو آماده است. مردم همه شیر شده اند، پس بروید و آن ها را همانطوری که انگورها را برای شراب در زیر پا لگدمال می کنند، پایمال سازید تا همه جا از خون شان لبریز شود. ^{۱۴} مردم دسته دسته در وادی محاکمه جمع شوند، زیرا در همانجا روز خداوند بزودی فرا می رسد. ^{۱۵} آفتاب و مهتاب تاریک می شوند و ستارگان نور خود را از دست می دهند. ^{۱۶} غرش صدای خداوند از فراز کوه صهیون بر می خیزد و همچون رعد از اورشلیم غرش می کند. آسمان و زمین به لرزه می آیند، اما خداوند پناهگاه قوم برگزیده خود، اسرائیل بوده از آن ها حمایت می کند.

^{۳۲} اما هرکسی که خداوند را فرا بخواند، نجات می یابد، زیرا خداوند فرموده است که در کوه صهیون نجات یافتگان در امان اند و کسانی که برگزیده او هستند زنده می مانند.»

خداوند اقوام بیگانه را محاکمه می کند

۳ خداوند می فرماید: «در آن زمان وقتی سعادت و آرامی را به یهودا و اورشلیم بازگردانم، ^۲ تمام اقوام جهان را در «وادی محاکمه» جمع کرده در آنجا آن ها را بخاطر میراث خود، یعنی قوم اسرائیل محاکمه می کنم، زیرا آن ها قوم برگزیده مرا در بین اقوام جهان پراکنده ساختند و سرزمین مرا تقسیم کردند. ^۳ آن ها بر سر قوم برگزیده من قرعه انداختند. پسران جوان را در عوض فاحشه ها دادند و دختران را به قیمت پول شراب فروختند.

^۴ ای صور و صیدون و ای سرزمین فلسطین با من چه کار دارید؟ آیا می خواهید از من انتقام بگیرید؟ اگر چنین کنید من فوری و هرچه زودتر شما را جزا می دهم. ^۵ شما نقره و طلا و گنجینه های نفیس مرا گرفته به معبدهای خود بردید. ^۶ مردم یهودا و اورشلیم را به یونانیها فروختید و آن ها را از وطن شان آواره ساختید. ^۷ اما من آن ها را از جاهائی که به آن فروخته شده اند بازمی گردانم و شما را به سزای اعمال تان می رسانم. ^۸ پسران و دختران شما را

آینده باشکوه یهودا

چشمه آب فوران می کند و وادی شطیم
را سیراب می سازد.

^{۱۹} کشورهای مصر و ادموم بخاطر ظلمی
که در حق اهالی یهودا کرده اند و خون
مردم بیگناه در آنجا ریخته شده است، به
بیابان خشک و پژمرده تبدیل می شوند.
^{۲۰} اما یهودا و اورشلیم برای همیشه آباد
و پرجمعیت می ماند. ^{۲۱} من انتقام خون
قوم خود را از دشمنان می گیرم و از گناه
مسئولین و ستمگران نمی گذرم، زیرا من،
خداوند در صهیون ساکن هستم.»

^{۱۷} آنگاه شما می دانید که من، خداوند،
خدای تان بر کوه مقدس خود صهیون،
ساکن هستم. اورشلیم یک شهر مقدس
بوده و بیگانگان دیگر هرگز نمی توانند
از آنجا عبور کنند.

^{۱۸} در آن زمان از کوهها شراب تازه
می چکد و از تپه ها شیر جاری
می شود. جویهای خشک یهودا از آب
لبریز می گردند. از عبادتگاه خداوند

